

پیشه‌وران بازار:

در گذار از آداب فتوت به شعائر شیعه

احمد کاظمی موسوی

مسائل مربوط به کسب و کار و بازار در کلام فارسی کمتر جایی را اشغال کرده است. فارسی نویسی دری سابقه ای هزار و سیصد ساله دارد، ولی گویی نگارش و قلم تقدسی داشته که با آهنگ شعری یا مضمون شرعی و یا کلام فلسفی همراه نمی شده، به مرحله سخن و آنگاه ثبت و ضبط نمی رسیده است. آداب کار و صنعت برخی پیشه‌وران بازار از قرن دهم هجری، درواز تقدیمی را برای دستیابی به قلمرو قلم و بیان یافت و آن شبکه پر پیچ و خم فتوت اسلامی است؛ آن هم در مقطعی که رواج مراسم زیارت و عزاداری شیعیان عملاً جای آداب فتوت را گرفته بود. پیشه‌ها و فنون کاربردی چون آهنگری، کاشی‌سازی، معماری، چرم و چیت‌سازی، قصابی و آشپزی و مانند آنها، از قرن دهم در رساله‌هایی درج و ضبط شد که تحت عنوان فتوت نامه‌های صنفی یا کسبی در بلاد اسلامی شناخته شده‌اند.

بررسی مضمون و روح نگارش این رساله‌ها از چند جهت دارای اهمیت است. نخست، آگاهی فنی از طرز کار این صنایع، هر چند که اینک با ورود ماشین به خاموشی گراییده‌اند. دوم آداب کار که انگیز حفظ و گسترش این فنون بوده است. سوم، و مهمتر از همه، نحوه بیان این صنایع است تا آنجا که به نظر می‌رسد کل این فنون فلسفه وجودی خود را از شکل توجیهی که در بیان آن شده، برگرفته است. این فقط خلق کار نیست که موضوعیت پیدا می‌کند، بلکه روح کار بیشتر از آن که آبخشوری در سود و منفعت داشته باشد، در اخلاص فکر ریشه دارد. این مطلب فقط در موطن شرقی کار و بار یک جهان‌نگری اسلامی مصداق می‌یابد. به این ترتیب، نخستین موضوعی که در اینجا با آن رو به رو می‌شویم، همان مسأله قدیمی دور نمای تاریخی ارتباط اصناف با اصول فتوت و مأخذ و منابع آن است. بعد از آن، به انواع فتوت نامه‌ها می‌پردازیم و از نگاهی به جایگاه فتوت در شرع، را بررسی می‌کنیم.

سخن از فتوت و مروت از قرن سوم هجری در منابع اسلامی راه یافت. رگه‌های از رنگ اخلاقی فتوت و چگونگی توجیه آن در منابع فقهی قرن چهارم، چون معانی الاخبار و عیون اخبار الرضا اثر خام ابن بابویه صدوق (۳۸۱ م)، قوت القلوب اثر ابوطالب مکی (۳۸۶ م) یافت می‌شود. فتوت به مثابه یک جریان اجتماعی که در جنبشهای شهری پیشه‌وران نقش داشته، در یک دست دیگر از منابع ما چون تاریخ طبری (۳۱۰ م)، وسائل اخوان الصفا، تاریخ سیستان، مروج الذهب مسعودی (۳۶۴ م)، کامل ابن الاثیر (۶۰۳ م) و کتاب الجماهیر ابوریحان بیرونی (۴۴۳ م) و جز آنها، مشهود است. با این همه، ارتباط پیشه‌وران و صنعتکاران با آداب فتوت تا قرن هفتم هجری مبتنی بر قرائن^۱ نه شواهد تاریخی است. همین امر موجب شد که محققان زمینه را برای نظریه پردازی گشاده بیابند و فرضیات گوناگون درباره چگونگی ارتباط اصناف و فتوت ارائه کنند و حتی اصل چنین ارتباطی را مردود بشمارد.^۲ دست کم از زمانی که عنصر المعالی کیکاوس (۴۶۲ م) در قابوسنامه بازاریان را با عیاران و سپاهیان در یک گروه قرار داد.^۳

و از شرط جوانمردی و مردمان بازاری در باب پیشه‌وری و هر پیشگانی (هر پیشه که دانی) یاد کرد، موضوع ارتباط پیشه‌وران و فقیان پررنگ تر شد. کیکاوس که ناظر دور رشد آداب فتوت در ایران بود، از جوانمردی به عنوان یک پیشگی یاد می‌کند و می‌نویسد:

اما آن گروه که نصیب ایشان تن رسید آن قوم عیاران و سپاهان و بازاریانند که مردمی ایشان را نام



جوانمردی نهادند (ص ۲۴۶) ... اما جوانمردی مردمان بازاری را هم در شرط است و لکن این فصل را در باب پیشه وری یاد کرده ام. شرط جوانمردی بازاریان آنست که گفتیم به تکرار کردن حاجت نیفتد (ص ۲۴۹) ... پس اگر پیشه ورباشی از پیشه وران بازار، از هر پیشه ای که باشی زودکار و ستوده کار باش تا حریفانت بسیار باشند و بوقت کار، به از آن کن هم پیشگان توکنند (ص ۲۴۱) ... و هرپیشه که برین جمله باشد که یاد کردم جوانمردترین همه پیشه وران بود و هر قومی را در آن صنعت که باشند در جوانمردی طریقی است. (ص ۲۴۲)

در گذشته کارگاههای صنایع و فنون عملی در بازار، یعنی محل داد و ستد کالا و خدمات قرار داشت.

پیداست که کیکاووس وجود رابطه بین پیشه وران و جوانمردان را بدیهی می انگارد و در سندنامه خرد فقط می کوشد آرمان اخلاق را نسبت به مردی توجیه عقلانی کند که از چهار خصیص انسان: تن، جان، حواس معانی، تنها تن به آنها رسیده است. تلقی کیکاووس از جوانمردی به عنوان یک "پیشگی" که بازاریان را به خوبی در بر می گیرد، نمایانگر دیرینگی ارتباط اصناف با فتوت است. محمد تقی بهار (ملک الشعراء)، قابوسنامه را یادگاری از "آیین نامک" می شمارد^۶ می توان باور کرد که این باب (باب چهل و چهارم، اندر جوانمرد پیشگی) نیز بقیه ایست از کتاب آیین ساسانیان که به تفاریق در کتاب ادب تازی و پارسی از او نقل شده است.^۷

مجتبی مینوی نیز در آیین جوانمردی^۸ بر این نظر است که کیکاووس در نوشتن قابوسنامه از خردنامه های موجود در عصر خرد بهره گرفته و در برخی موارد عین مضمون خردنامه را نقل کرده است. نخستین فتوت نامه ای که در آن از فتوت به عنوان یک نهاد اجتماعی، نه صرفاً یک آیین اخلاقی، سخن به میان آمده، کتاب القانون شیخ ابو عبد الله محمد ابی المکارم معروف به ابن المعمار است. در این کتاب، ابن المعمار طبق دستور خلیفه الناصر الدین الله (۶۲۳ م) از وجود رابط بین مشاغلی چون تیر اندازی با کمان (رمی البندق) و پرورش کبوتر های نامه بر (طیور المناسیب) و اصول فتوت سخن می گوید.^۹ طبیعی است که این دو پیشه بیشتر کاربرد نظامی داشته و خلیفه الناصر احتمالاً قصد داشته که آن دو را به شبکه اتحاد فتوت منحصر کند.^{۱۰} به هر حال این امر گویای گستردگی نهاد فتوت است که در عصرالناصر شبکه نظامی - سپاهی را با اصولی اخلاقی که ابوحنیف عمر سهروری آن را الدعوه الهادیه^{۱۱} می خوانند، در خود جمع کند.^{۱۲}

سه قرن بعد، یک صوفی نقشبندی به نام ملاحسین کاشفی سبزواری (۹۱۰م) نخستین فتوت نامه اجتماعی - تشکیلاتی را تحت عنوان فتوت نامه سلطانی، به زبان فارسی نگاشت. در این کتاب نیز فنون جنگی چون کمان داری، سپرگیری، کاربرد تیغ، گرز، و طغماق توجیه شرعی می یابند و پیشه های تازه ای چون مداحی، خواص گویی، و بساط اندازی جای باز می کند. از این زمان، یعنی عهد صفوی، به بعد، شاهد ظهور یک رشته فتوت نامه های کوچک صنفی یا کسبی هستیم که فنون عملی و صنایع یدی را آمیخته با اصول اخلاقی بیان می کند، که از جمل آنها می شود از فتوت نامه چیت سازان، فتوت نامه آهنگران،



معماران و کفاشان و غیره یاد کرد. در اناتولی، سید محمد بن سید علاءالدین حسینی رضوی (۹۳۱ م) فتوت نامه کبیر را به زبان ترکی نوشت. این کتاب برای صنف نامه های کوچک که جملگی تحت عنوان فتوت نامه فنون حرفه ای خاصی مورد بحث قرار، مأخذ قرار می گیرد.^۴ این فنون حرفه ای اخیه های ترک را تشکیل می داد. به گفته تشنر، دسته ای از اهل مشاغل چون چرم سازان، پینه دوزان، وزین سازان، ترجیح می دادند که فتوت نام اولیه اخیان را که توسط یحیی بن خلیل برغازی (۷۶۷ م) نوشته شده بود، مورد عمل قرار دهند.^۵

می دانیم که شهرهای اسلامی، در گذشته کارگاههای صنایع و فنون عملی که معمل یا بیت الطراز خوانده می شد، در بازار، یعنی محل داد و ستد کالا و خدمات قرار داشت؛ اعم از آن که این کارگاهها متعلق به سرای خاصه یعنی دولتی باشد یا از اصناف آزاد. به گفته تشنر، بر خلاف شهرهای اروپایی، در شرق اسلامی صنعتکاری و داد و ستد در بازار متمرکز بوده است.^۶

معمولاً بین بازار کارگاه و کاروانسرا پیوند و اتصال برقرار بود. از این رو، نه فقط نبض اقتصاد که قلب حرکت های مذهبی - اجتماعی در بازار می تپید. ارتباط اصناف با متشرعان و اصل فتوت و صوفیان امری عادی و بدیهی به شمار می آید.

ما به نام بسیاری از پیشکسوتان فتوت برخورداریم که چون حداد (ابو حنص عمر، ۲۶۰ م)، قصار (حمدون، ۲۷۱) داشته اند که گویای مشاغل آنهاست. از سوی دیگر، بسیاری از شیوخ تصوف نیز دارای القابی چون خزار (ابوالقاسم جنید ۲۹۸)، خزار (ابوسعید ۳۷۷)، و سراج (ابو نصر ۳۷۸) بوده اند که گویای حرفه آنان است. مثلاً می دانیم که ابوالقاسم جنید در بازار بغداد دکان خرازی (ابریشم فروشی) داشته و در همانجا حدون قصار و ابوحنص حداد فتیان، ملامتی خراسان، را ملاقات کرد و درباره صوفیه و ملامتیه و فتوت بحث کرده اند.

برخلاف تصوف که با زهد و نظر و خدانشناسی شروع شد، فتوت با عمل و حرکت دسته جمعی بخشی از جوانان شهری (به ویژه در بغداد) در قرن دوم هجری آغاز شد. جوانانی که به نام فتیان، اهل السوق، شطرا، طرارون، و عیارون خوانده می شدند.^۷ و به ظاهر اصل و مرام خاصی راه آنان را مشخص نمی کرد، بلکه با موج جریانهای سیاسی حرکت می کردند و اغلب به جزئی از یک جریان بزرگتر تبدیل می شدند. کلودکوهن، شرکت فتیان رادر نوسان قدرت بین امین و مامون، و همچنین مستعین و معتز نشان داده

است.^{۱۲} ما از ارتباط یا وابستگی اصناف با اهل فتوت در این دوره ها (یعنی قرن دوم تا هشتم) آگاهی کافی نداریم. با این که می دانیم بسیاری از فتیان اهل حرفه کار نیز بوده اند. تا آنجا که لویی ماسینیون حدس می زند که تشکیلات صنفی شهر مدائن در دوره ای که سلمان فارسی حاکم آن بوده، در پیدایش فتیان موثر بوده و فرانتس تسنر در سخنرانی آبان ۱۳۳۵ خود در دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران بر این حدس صحت گذاشت ("گروه فتوت" ۸۴). به هر صورت، نظر این دو خاورشناس از مرحله حدس فراتر نمی رود.

اغلب صاحبان نظران، قرن پنجم را دوران برخورد و تعاطی جریان فکری فتوت با اصول تصوف دانسته اند؛ که این برخورد به پیدایش جوانمردان و آیینی شدن اصول فتوت انجامید.^{۱۳} نقطه تبلور این برخورد عبارت است از نگاه شده شدن نخستین فتوت نامه به دست عبدالرحمن سلمی (۴۱۲ م) که یک صوفی ملامتی بود. به این ترتیب، ملامتیه و آیین قانون شکنی آنان با ناپایبندی و سرکشی فتیان نقاط اشتراک یافت و به نزدیکی این دو جریان و سرانجام ظهور اخیان منجر شد. به نظر می رسد که قرن پنجم را باید مرحله شکل گیری این تعامل و نهادی شدن آیین فتوت دانست و گرنه شواهدی در دست داریم که حاکی از شناخته بودن مفهوم اخلاقی فتوت و ماهیت متغیر و کشدار جوانمردی است. در معانی الاخبار نوشته ابن بابویه صدوق، به خبری از حضرت امام جعفر صادق (ع) برمی خوریم که در آن بین فتوت و شطاره فرق گذاشته شده است. در این خبر، فتوت بر اساس اصول مروت تفسیر شده، در حالی که از شطاره به عنوان فسق یاد شده است:

"مردم نزد امام از فتوت سخن به میان آوردند. ایشان گفتند: گمان می کنید که فتوت فسق و فجور است هرگز، فتوت و مردانگی عبارت از طعام نهاده، سفره گشاده، نیکوکاری و به درد هم رسیدن است، اما تردستی و شطاره یکسره تبه کاری است."^{۱۴}

شیخ صدوق خبر دیگری در عیون اخبار الرضا از قول حضرت امام رضا (ع) نقل کرده که در آن دوست و برادر گرفتن در راه خدا (اتخاذ الاخوان فی الله) از خصائص مروت شمرده شده است. روشن است که مروت در این خبر به معنای بروز صفات مردانگی فردی نیست، بلکه جنبه جمعی و همراهی را دارد که بیشتر در فتوت مصداق پیدا می کند:

شش چیز نشان مروت است؛ سه چیز در حضر و سه چیز در سفر. در حضر تلاوت قرآن، ساختن مساجد، و دوست و برادر گرفتن در راه خدا شایسته است؛ اما در سفر گشاد دستی، خوش رویی و شوخ طبعی و مزاح تا آنجا که منجر به گناه نشود.^{۱۵}

ابوطالب مکی نیز زوج شرعی فتوت و مروت سخن گفته است.^{۱۶} ابوحنیفه عمرسهروردی فتوت را به صورت مسخ شریعت و طریقت و حقیقت برآورده کرده و اصل این سخن را به جنید بغدادی نسبت می دهد.^{۱۷}

سلوک و اختیار فتوت اخلاقی در قرن هفتم به دستگاه حاکمه و حکومتی راه یافت. این کار به دست الناصر خلیفه عباسی صورت گرفت. او کوشید نه تنها آیین اخلاقی بلکه فنون عملی را محدود به ضوابط دولتی کند. پیش از خلافت الناصر، فتیان و عیاران مکرر قدرت سیاسی را به دست گرفته بودند؛ حتی کسانی چون یعقوب لیث از خاستگاه فتوت به امارت رسیدند. ولی آنها فتوت را در دولت نهادینه نکردند. در سال ۶۰۴، الناصر منشوری آیین وار برای احراب فتوت صادر کرد و در آن اصل فتوت را به از روی مولای خود علی بن ابیطالب (ع) متابعت از کامل از شرع خواند: "از روسای تمهد گرفته شده بود که مضمون منشور را که عمل بدان (از نظر شرع و از نظر آیین فتوت) واجب است، اجرا کنند."^{۱۸}

همبستگی حکومت با نهاد فتوت موجب نزدیکی هر چه بیشتر حکومتگران با پیشه وران و اهل حرفه و صنعت شد. به طوری که برخی از امیران، از جمله سلاطین سلاجقه روم، به فراگرفتن حرفه و فن مبادرت ورزیدند.

علاء الدین کیقباد اول، معاصر خلیفه الناصر، خود صنعتگر و جواهرشناس به شمار می رفت. طبق نوشته سلجوقنامه ابن بی بی (ص ۹۴) علاء الدین در سکاکی، نحاتی، نجاری، رسامی، و سراجی مهارت یافته بود.^{۱۹}

البته منظور اصلی حکومتگران، سلطه بر بازار و پیشه وران بود. و در این دوران فعالیت اجتماعی بازاریان و اهل حرفه بیشتر در چارچوب سازمان فتوت و خانقاهها انجام می گرفت. به گفته روحانی: از آنجا که ایدئولوژی حاکم بر اصناف همانا جوانمردی و فتوت بوده، لذا آنها را با اهل خانقاه بیشتر نزدیک می نموده است. در حقیقت، رابط اصناف و اهل مدرسه تا قبل از دوره صفویه فوق العاده محدود به مثابه هیچ بوده است. ولی برعکس، این رابطه در عصر صفویه تحکیم و تقویت می یابد.^{۲۰}

قرن هشتم دوره اوج ارتباط پیشه وران بازار باطن صوفیه و نهاد فتوت است. در آناتولی، فتوت شکل سازمانی روشنتری یافت و به صورت سازمان اخیان در آمد. ولی در ایران با این که در فتوت نامه های فارسی از پیشه وران و اهل حرفه با اصطلاحات و توجیهات اهل فتوت سخن می رود، از نظر تاریخی ما هنوز از شکل

ارتباط اصناف با فتوت اطلاع کافی نداریم. ابن بطوطه (۷۷۰م) نظم و ترتیب بازار شیراز و اصفهان را و این که هر یک از اصناف و پیشه وران راست جداگانه ای دارند توصیف کرده و مثلاً می‌گوید: در اصفهان هر دسته از پیشه وران رئیس و پیش کسوتی برای خود انتخاب می‌کند که او را "کلو" می‌نامند. چند صفحه بعد، از درودگری که پهلوان محمود نام داشت و برای جلوگیری از اخراج تاش خاتون از شیراز اقدام کرد، به میان آورده است.^{۳۳} با هم این احوال، شکل و یا نحوه این ارتباط را بیان نکرده است.

از قرن دهم هجری به بعد، تماس پیشه وران و اصناف به جایی رسید که ملای درویش مسلک و جوانمرد آشنایی چون ملا حسین سبزواری (۹۱۰م) به خود اجازه داد که نه آداب فتوت که ترتیب پیشه وری و معرکه گیری را در "فتوتنامه" ای، تحت عنوان "سلطانی"، بنویسد. در قرن بعد، شاهد ظهور رساله های صنفی چون فتوت نامه چیت سازان و آهنگران هستیم. در فتوت نام سلطانی، پس از ذکر سابقه تاریخی فتوت، رسم و آداب کمر بستن و سلسله مراتب، درباره برخی از مشاغل بازاری و معرکه گیری چون سرکه گیران، قصه خوانان، پهلوان پیشگان، زورگران، ناصر کشان، حملان، سقایان، قصابان، سلاخان، و همچنین صاحبان صنایع دستی چون خراطان، درودگران، بنایان و آهن گران سخن رفته و پیشه ایشان با سلسله سند به یکی از امامان و پیامبران نسبت داده شده است.^{۳۴} دکتر محجوب مرز تمایز جوانمردان و عیاران از پیشه وران را در میزان وقتی که آنان به هر یک از این دو حوزه به عنوان کار اصلی خود اختصاص می‌دادند، تعیین کرده است.

عیار کسی است که فتوت و جوانمردی را حرفه خویش قرار داده باشد ... عیاران ... اگر شغلی نیز داشتند آن کار تحت الشعاع فعالیت‌های ایشان در راه جوانمردی قرار می‌گرفت.^{۳۵} از دبستانهایی مثل حسین کُرد (که حوادث آن در دوره صفوی اتفاق می‌افتد) دکتر محجوب چنین برداشت می‌کند که پهلوانان و عیاران هر از گاهی مسئول حفظ امنیت شهر می‌شدند و شاه یکی از آنان را به سمت داروغه انتخاب می‌کرد و وی در چهار سوق می‌نشست و ماموران او در کوچه می‌گشتند و مراقب بودند که کسی به جان و مال و ناموس دیگری تعدی نکند.^{۳۶}

پی نوشت

۱. کوهن، کلود، فتوه، دائره المعارف اسلام، ص ۹۶۳ .
۲. ظمور، ویلم، اصناف، ایرانیکا، ۷۵۵ .
۳. عنصرالمعالی کیکاووس، قابوسنامه، تصحیح غلامحسین یوسفی، ۱۳۴۵ ص ۲۴۶ .
۴. مینوی، مجتبی، آیین جوانمردی، ص ۱۱۴ .
۵. تشنر، فرانتس، گروه فتوت، ...، مجل دانشکده ادبیات، ۱۳۳۵، ص ۸۹ .
۶. همان، ص ۸۷ .
۷. همان، ص ۸۹ .
۸. کوهن، کلود، فتوه، دائره المعارف اسلام، ص ۹۶۸ .
۹. همان .
۱۰. همان، ص ۹۶۷ .
۱۱. تاریخ طبری، ج ۹، ص ۱۷۲ .
۱۲. فتوه، ص ۹۶۱ .
۱۳. کرین، هانری، آیین جوانمردی (در آمد)، ۵ (و) کاهن، کلود، عیاری، ایریکا، ۱۶۰ .
۱۴. معانی الاخبار، ۲۸۵؛ امالی الصدوق، ۳۳۹ .
۱۵. عیون اخبار الرضا، ۲/۲۷۲ .
۱۶. قوت القلوب، ۲/۲۷۴ .
۱۷. رسائل جوانمردان، صص ۹۳ و ۱۰۵ .
۱۸. محمد جعفر محجوب، مقدمه، ۷۹ .
۱۹. فتوت نام سلطانی، مقدمه، ۵۴ .
۲۰. روحانی، سید کاظم، اصناف و پیشه وران در تاریخ کیهان اندیشه، ۱۱/۷۶ .
۲۱. همان .
۲۲. ابن بطوطه، سفرنامه، صص ۲۴۷، ۲۵۶ .
۲۳. مقدمه، ۸۳ .
۲۴. ص ۸۴ .

منبع

اولین کنگره بین المللی بازار، تبریز، ۱۳۷۲

